

تریبونالی که پایش درمقابل تحریم جنایتکارانه اقتصادی و تجاوز ضد بشری نظامی به ایران بلند، تریبونال مردمی نیست

"دادگاه جمهوری اسلامی ایران به جرم جنایت علیه بشریت" تحت نام «کارزار مردمی ایران تریبونال» از روز هجدهم تا بیست و دوم ژوئن در لندن برگزار شد و هدفش را از این دادگاه محاکمه رژیم جمهوری اسلامی بخاطر قتل عامهای وحشیانه در سالهای ۶۰ و ۶۷ و بطور کل کشتار مخالفین رژیم در طول سی سال اعلام داشته است. این دادگاه از سوی کوشیده است خود را "دادگاه راسل" که دادگاهی برای محکومیت جنایت امپریالیست آمریکا در ویتنام بوده جلوه دهد و از همین رو همه سازمانها، احزاب و شخصیتهای سیاسی را به حمایت از این کارزار سیاسی دعوت نموده است.

در همین رابطه برخی از سازمانها و احزاب و فعالین سیاسی در تارنماهای مختلف به اظهار نظر پرداخته ضمن خط کشی روشن با رژیم منفور جمهوری اسلامی و محکوم کردن تمام جنایات سی و سه ساله اخیر در ایران به انحراف و افشای ماهیت این تریبونال نیز پرداخته و با اعلام موضع روشن علیه تحریم جنایتکارانه اقتصادی و خطر تجاوز احتمالی به ایران به پیوند مبارزه دموکراتیک با مبارزه ضد امپریالیستی تاکید ورزیده اند. هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) از جمله سازمانهایی است که مسئولانه طی انتشار بیانیه ای تحت عنوان "درباره تریبونال لندن، در جستجوی حقیقت یا بازی در بساط دیگران؟! مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۱ بطور مفصل به افشای دست اندرکاران این کارزار پرداخت و جسورانه اعلام داشت سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی باید از طریق انقلاب مردم ایران به سرانجام برسد و نه از طریق "دخالتهای بشردوستانه ی" قدرتهای جهانخواار. حزب ما از این موضع گیری روشن و مسئولانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) دفاع می کند و آن را در خدمت به مردم ایران و منطقه و همه آزادیخواان و دموکرات و نیروهای مستقل و مترقی ارزیابی می نماید.

حزب ما بارها تاکید کرده است که نیروهای انقلابی میهن ما باید با تجزیه و تحلیل از سیاستهای امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه، نیات و هدف تبلیغات آنها را پیدا کرده و آن را افشاء سازند. نمی توان به خاطر تنفر به حق از رژیم استبدادی و جنایتکار جمهوری اسلامی، چشم را بر واقعیات روز بست، درخت را دید اما جنگل را ندید و مواضع ژورنالیستی، مبهم و شک برانگیز در قبال اوضاع ایران و منطقه اتخاذ کرد. برخورد صریح و روشن و شفاف در قبال نقش امپریالیسم آمریکا و تشدید رقابت های امپریالیستی بر سر مواد خام و انرژی، اشغال کشورهای افغانستان و عراق و لیبی و توطئه علیه خلق سوریه، ادامه کشتار خلق فلسطین، تحریم ضد بشری و غیر قانونی و قلدرمنشانه اقتصادی علیه مردم ایران و آغاز جنگ فرسایشی و احتمال تجاوز نظامی به میهن ما و... مسائل مهمی هستند که تنها در پرتو درک صحیح از ماهیت امپریالیسم و شناخت دیالکتیکی از تضادهای جاری در جهان می توان بدانها پاسخ علمی داد. باید نظر نیروهای مردمی را در ایران به این حقیقت جلب کرد که امپریالیست ها و صهیونیست ها تلاش دارند تحت نام "دفاع" از حقوق دموکراتیک مردم ایران و دامن زدن به نفاق قومی و ملی و تجزیه طلبی، مردم را از پیشروی برای تحقق حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی در یک ایران مستقل و آزاد و دموکراتیک بازدارند. همانطور که در عراق و دیگر کشورها باز داشته اند و مبارزات برحق مردم را به کجراه کشانده اند.

حزب ما بارها تاکید کرده است که تحریم های جنایتکارانه اقتصادی و تهدید اتمی باراک اوباما علیه مردم ایران و از طرفی حمایت همه جانبه از اسرائیل صهیونیست که صاحب سلاح اتمی است و خاک چند کشور را به اشغال خود در آورده، موضوع مهمی است که همه گروهها و جریانات دموکرات و مستقل و میهن دوست باید بدان توجه کنند و درمقال جهانخوااران امپریالیست که قصد پاره پاره کردن کشور ما را دارند بایستند و نقاب از چهره نوکرانشان بدرند و به همه کسانی که به بازیچه دست آنها و پارکابی دشمنان خلقها در زورگویی به ایران تبدیل شده اند، بیردازند.

راه مبارزه با این انحرافات و جدا کردن سره از ناسره تکیه مقتضی بر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و توجه به ارتباط بلاواسطه جنبش دموکراتیک با مبارزه ضد امپریالیستی است. راه خنثی کردن تحریکات و دسیسه های امپریالیستی، پیوند جنبش دموکراتیک عمومی مردم با جنبش کارگری از طریق طرح خواست های کارگران است. راه مقابله با دسیسه دشمن، توجه به صحت اخباری که باید توزیع شود، مضمون شعارها و اعلامیه هائی است که گروهها و شخصیت ها می دهند و امتناع از موضع گیری علیه امپریالیسم و صهیونیسم آب ریختن به آسیاب جهانخوااران بین المللی است. مبارزان آزادیخواه و ضد رژیم خارج از کشور باید از همکاری با مراکز بی هویت و مشکوک خودداری کنند. مراکزی که اتفاقاً از امکانات تبلیغاتی و مالی فراوانی برخوردارند و مانند قارچ از زمین رونیده اند و دارای هیچ پیشینه سیاسی نیستند، باید به زیر ذره بین گرفته شوند.

حزب ما بنابراین اصول و پرنسپهای فوق یکی از اولین نیروهای سیاسی بوده است که به افشای بی امان جریاناتی که در قبال سیاست کمک مالی هفتاد میلیون دلاری امپریالیست آمریکا به اپوزیسیون ایران مودیان سکوت پیشه کرده و با توجیه و ترفند استفاده از "تضادهای اردوی دشمنان" جهت براندازی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به جاده صاف کنان معنوی امپریالیست تبدیل شده اند، پرداخته و هیچگاه منافع کوتاه مدت را فدای منافع دراز مدت و اصول انقلابی خود نکرده است. دهها مقاله تحلیلی در مورد نقش امپریالیسم در ایران و منطقه و سازمانهای غیر دولتی و افشای عوامل صهیونیسم و برخی از جریانات منحرف سیاسی که تمام اصول انقلابی گذشته خود را فدای دلار و یا پیروی امپریالیستها کرده اند دلیلی بر مدعای ماست.

بیانیه راه کارگر روینده و امید بخش است. به امید پیکارهای مشترک تمامی نیروهای انقلابی ضد رژیم و ضد صهیونیست و ضد امپریالیست. قسمتهائی از اطلاعیه سازمان راه کارگر درباره ی این تریبونال را در زیر می خوانید:

«..... سرپرست تیم دادستانی این دادگاه «پیام اخوان» از گردانندگان مرکز «اسناد حقوق بشر ایران» است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی است که بخش اصلی بودجه آن توسط دولت های آمریکا و کانادا و نیز نهادهای وابسته به طبقه حاکم آمریکا تامین می شود. این نهادها و نهادهای مشابه علیرغم ادعای بی طرفی سیاسی از ابزارهای پیشبرد سیاست های جهان خوارانه دولت آمریکا بوده و ربطی به منافع مردم ایران ندارند.»

پیام اخوان همچنین مشاور حقوقی اول دفتر دادستانی دادگاه لاهه در محاکمات میلو شویچ و رواندا از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۰ بود. تردیدی در جنایاتی که اسلوبودان میلو شویچ و سایر همدستان صرب وی در یوگسلاوی مرتکب شدند، وجود ندارد. اما غایب بزرگ در این محاکمات، سران قدرت هائی بودند که شرایط تجزیه یوگسلاوی را فراهم کرده و جنگ داخلی در این کشور میان ملیت های گوناگون را برای پیشبرد سیاست های جهان خوارانه ی خود و تجزیه یوگسلاوی کارگردانی کردند. آیا امثال جورج بوش و تونی بلر و شرکاء به خاطر محاصره ده ساله ی عراق که قتل صدها هزار کودک عراقی در پی داشت و سپس تجاوز به خاک عراق و قتل عام صدها هزار نفر دیگر برای تسلط بر ثروت های نفتی این کشور و یا رسوائی هائی نظیر جنایات زندان ابو غریب ... نباید در دادگاه های مشابه محاکمه می شدند؟ آیا این نوع دادگاه که تنها شکست خوردگان سیاست های پلیس جهانی را به محاکمه می کشد در خدمت دادخواهی واقعی و برقراری عدالت است یا برای دستیابی به هدف های مورد نظر فاتحان نظم جهانی حاکم!»

آیا بودجه دولتی که کودتای سیاه سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق را سازماندهی کرده؛ اولین تجربه دمکراسی سیاسی در خاورمیانه را به خاطر تسلط بر منابع نفتی ایران نابود ساخته؛ حافظ همه دیکتاتورهای خونریز و فاسد خاورمیانه است؛ علیه هر خیزش مترقی برای آزادی و برابری بوده و هست؛ نقش مستقیم در حمایت از استبداد سلطنت پهلوی و اعدام هزاران کمونیست و آزادی خواه در کشورمان داشته؛ به خاطر چنگ انداختن بر منابع نفتی لیبی تحت نام «مداخله بشردوستانه» کشور لیبی را به سرزمین سوخته تبدیل می کند، می تواند در راه مبارزه برای دمکراسی در ایران به کار افتد؟ پاسخ روشن است. این بودجه در خدمت تغییر رژیم از بالا و منجمد کردن حرکت مردم برای تحمیل یک رژیم وابسته هزینه می شود. آیا سیاست دولت آمریکا در خاورمیانه جز تبدیل دیکتاتورهای متمرکز به دیکتاتورهای خودی است؟ آیا حقوق بشر ادعائی دولت آمریکا - که ما آن را به خوبی در زندان های ابو غریب و گوانتامو دیده ایم - جز وسیله ای برای پیشبرد سیاست های امپریالیستی است؟»

..... راسل متفکری بود با مواضع بسیار روشن در برابر جنایات امپریالیسم آمریکا. اما اکنون همانطور که در بالا اشاره کردیم رئیس تیم دادستانی تریبونال، یکی از برگزیدگان و نورچشمی های سرمایه جهانی است و متأسفانه توانسته است اتحاد نیروهای طرفدار آمریکا با برخی نیروهای مدعی چپ و سوسیالیسم را سازمان دهد. این واقعیت که گردانندگان این تریبونال حاضر نیستند تحت هیچ عنوانی علیه تحریم های ویرانگر که گلوی مردم ایران را در چنگال خود می فشارد و تهدیدهای جنگی آمریکا و متحدش اسرائیل موضع گیری کنند، نشان دهنده پلانتفرم این اتحاد نامقدس و سیاست ائتلافی آن ها می باشد. تحریم های فراگیر و تهدید جنگی اکنون دو بازوی اصلی پیشبرد سیاست امپریالیسم آمریکا برای تغییر رژیم در ایران و جایگزین کردن رژیم وابسته به خود در کشور ما به جای فاشیسم مذهبی حاکم است.»

..... آنچه تازگی دارد این است که بخشی از نیروهای به اصطلاح چپ رادیکال با طفره رفتن از اتخاذ سیاست روشن و شفاف علیه رئیس اصلی سیاست های آمریکا با نیروهای وابسته به نهادها و سیاست های آمریکا وارد ائتلاف شده و دادستانی این محاکمه را به آن ها واگذار کرده اند. «سازمان اقلیت»، «کمیتة مرکزی راه کارگر» و «حزب کمونیست کارگری» از جمله ی این نیروها هستند که علناً با صرف نظر کردن از مواضع روشن ضد امپریالیستی، به همکاران این پروژه تبدیل شده اند. سازمان ما با تاکید بر سنت پیکار جویانه ی ضد امپریالیستی چپ ایران، این انحراف را محکوم می کند و از فعالین این سازمان ها می خواهد که رهبران شان را در برابر سیاست های اتخاذ شده و ادار به پاسخگوئی کنند. این بخش از چپ ایران خط قرمز استقلال و عدم ائتلاف با نیروهای طرفدار سیاست های آمریکا را به کناری نهاده و در حقیقت سنت پیکار جویانه هزاران مبارز انقلابی چپ جان باخته و پیکارجوی رادیکال کشورمان را پایمال کرده اند. ما این انحراف غیر قابل چشم پوشی را قویاً محکوم ساخته و دلالت مضحکی را که این نیروها برای توجیه سیاست های خود اقامه می کنند را مردود می دانیم.»

می‌توان با تحلیل‌های مندرج در این بیانیه زاویه داشت. اما در یک نکته تردیدی نیست و آن جهت‌گیری اصولی و شجاعانه‌ی بیانیه در امتناع از تبدیل شدن به ابزاری در دست صاحبان سرمایه‌های جهانی است. این تداوم همان مقاومتی است که نسل به‌خاک افتاده‌ی زندانیان دهه‌ی سیاه شصت‌جانشان را بر سر آن نهادند. این مقاومتی است که امروز هم با امتناع از فروش آرمان‌ها در بازار «آزاد»ی خود را نشان می‌دهد.

موضع‌گیری سازمان راهکارگر نیز بر بستر درخشش آن دسته از بازماندگان کشتارهای دهه‌ی شصت قرار دارد که با غیبت‌شان در این نمایش مضحک و سالوسانه به‌زیبایی درخشیدند. آن دسته از سلحشوران مقاومت در زندان‌ها که امروز نیز نشان می‌دهند که نه فقط در مقابل شکنجه و تهدید اعدام مقاومت کردند، بلکه در برابر وسوسه‌ی تبدیل شدن به «شخصیت» نیز مقاومت می‌کنند. دست‌اندرکاران تریبونال شاید- گمان نمی‌کردند که کسانی هم بتوانند در مقابل این رشوه‌ی «شیرین» مقاومت کنند. اما همه‌ی آن بازماندگانی که از این معرکه دور ماندند و همه‌ی آن‌هایی که بر علیه آن ایستادند و عطای فکل لکه و کراوات در مقابل تریبونال محترم را به لقای آن بخشیدند، نشان دادند که چگونه می‌توان آرمان‌های به خاک افتادگان را در ایستادگی امروز - که ساختن فردا را بشارت می‌دهد- پاس داشت. این صفی از رزمندگانی است که با هرتفاوتی، در حراست از میراث انقلابی نسل مبارزان دهه‌ی شصت متحده‌اند ایستاده‌اند. غیبت چهره‌های درخشان مقاومت در تریبونال به‌همان اندازه که اعتبار دروغین آن را به‌چالش کشید، به همان اندازه نیز ایستادگی خود آن‌ها را برجسته نمود. از وحید صمدی تا وزیر فتحی و از همایون ایوانی تا محمود خلیلی و شهاب شکوهی و فرخ قهرمانی و فریده ثابتی و ستاره عباسی و مزده ارسی و بهزاد دشتبانی و سیاوش محمودی و همه‌ی دیگرانی که پا به این معرکه نگذاشتند، همه و همه اعتباری را به میان کشیدند که نه تنها حقیقی است، بلکه بخشی از سنگ بنای آینده روشن جامعه‌ی ایران نیز خواهد بود.

این تریبونال هم مثل واقع‌سازی‌های دیگر به پایان می‌رسد. اما آنچه از آن برای انقلاب اجتماعی آینده ایران برجا می‌ماند، نه در درون آن، بلکه در بیرون آن شکل گرفته است. نه با شرکت در آن، بلکه با امتناع از شرکت در آن و این روینده و امید بخش است.»

حزب کار ایران (توفان) اضافه می‌کند که این فیل هوا کردن امپریالیستی- صهیونیستی، این تبلیغات دشمنان واقعی و ریاکار حقوق بشر در جهان، بخشی از جنگ روانی امپریالیستها، برای اپوزیسیون سازی ایرانی، آنهم نه با نام "کنگره ملی عراق"، نه با نام "ارتش آزاد سوریه"، بلکه با یک نام "ایرانی و قومی" است. این سر و صدا ریاکارانه در وضعیت کنونی مورد نیاز امپریالیستهاست تا صدای اعتراض مردم جهان در زورگوئی به ایران و تحریم اقتصادی جنایتکارانه مردم ایران را تحت الشعاع قرار داده و افکار عمومی را از جنایاتی که در منطقه در حال اجراست، منحرف سازد. بخش اعظم این اپوزیسیون همدست تریبونال در خدمت این سیاست و در پا رکابی امپریالیستها فعال است و مدتهاست از کیسه مالی دلار آمریکائی، پوند انگلیسی و یورو هلندی تامین معاش می‌کند.

تشدید مبارزه طبقاتی و تکیه بر این اصل که مبارزه برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، نه تنها باید با تکیه بر نیروی لایزال مردم ایران تحقق پذیرد، بلکه باید همواره بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و دسیسه‌های آنها نیز مبارزه نماید، یک امر روشن و شفاف انقلابی برای تعیین جبهه انقلاب و ضد انقلاب، جبهه مبارزان انقلابی و همدستان امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

زنده باد سوسوسیالیسم این پرچم رهانی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

۵ تیر ۱۳۹۱ برابر با ۲۵ ژوئن ۲۰۱۲

www.toufan.org